روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

سه‌شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲ _ ۱۴ جمادی الاول ۱۴۴۵ _ ۲۸ نوامبر۲۰۲۳- شماره ۲۳۱۰ _ سال هشتم
۸ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶/۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیار , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: جلال خوش چهره

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷


یادداشت

## خودباوری و یار موافق

آرش رازانی
روزنامه‌نگار


کوهنوردان می‌دانند، که اگر بنا بر فتح قله‌ای سخت باشد و برنامه صعود گروهی، حضور یکی دو کوهنورد باتجربه که سابقه فتح این قله را دارند بسیار راهگشاست. چه در شناخت مسیر درست و چم و خم آن، و چه در روحیه دادن به کوهنوردان کم‌سابقه‌تری که این مهم‌ترین صعودشان است. گویی حضور همپایی که پیش از این راه را تا انتها پیموده است، دل‌گواه درستی صعود و اطمینان‌بخش رسیدن به هدف است.

هر یک از ما در زندگی، در کار پیمودن مسیری دشوار برای رسیدن به اهداف بلند خود هستیم؛ و برای رسیدن به هدف عزم خود را جزم کرده‌ایم. اما از آنجا که «دایما یکسان نباشد حال دوران»، همه ما لزوما به هدف‌های بلند خود نمی‌رسیم. با وجود آن که گاهی عواملی خارج از اختیار ما در نرسیدن به هدف‌های بلند موثرند، اما آنچه بیشتر بند بر پای ما می‌شود ضعف خودباوری است.

آری، کار که دشوار می‌شود و موانع مسیر که به تدریج بیشتر می‌شوند ما باور خود نسبت به عزم و توانایی خویش را به تدریج کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌یابیم. چنان که شک می‌کنیم که آیا اصلا هدف درستی را انتخاب کرده‌ایم؟ آیا بهتر نبود هدفی را که بیشتر قابل حصول بود انتخاب می‌کردیم تا پله پله به هدف بلندمان برسیم؟ آیا بیش از اندازه روی توان خودمان حساب نکرده بوده‌ایم؟ اینجاست که دیگر حفظ خودباوری به تنهایی بسیار دشوار می‌شود.

تیم ملی فوتبال آلمان در سال‌های اخیر در افت دایمی بوده و از تورنمنت‌های مهم فوتبالی بی‌توفیق کنار رفته است. تیمی با پیشینه درخشان، به جایی رسید که در برابر کره جنوبی از جام جهانی حذف شد و در برابر ژاپن با چهار گل باخت. مسئولان فوتبال آلمان از رودی فولر، گلزن قدیمی و نام‌آشنا و از قهرمانان جام جهانی خواستند که یک بازی دوستانه در برابر فرانسه مربی موقت تیم ملی باشد تا مربی دیگری را برای تیم انتخاب کنند. تیم ملی آلمان در فاصله کمتر از یک هفته از باخت در برابر ژاپن، با همان بازیکنان با اقتدار تمام فرانسه، بهترین تیم اروپا را شکست داد. هیچ چیز نسبت به بازی در برابر ژاپن تغییر نکرده بود، جز رودی فولر. مردی که خودباوری و شجاعت را با حضور خود به تیم اضافه کرده بود.

برای هر کدام از ما زمانی فرا می‌رسد که برای ادامه مسیر صعود به هدف‌های بلند به حضور دلگرم کننده آن کوهنورد باتجربه نیاز داریم. برای برنده شدن برابر حریفان سخت روزگار به حضور کسی که شجاعت را به ما بازگرداند. که ما در سایه اطمینانی که حضور او به ما می‌دهد، خود را دوباره باور کنیم. ما، گاهی نیاز به تلنگری داریم که باور ما به توان و عزم خویش را به ما بازگرداند. برای خودباوری، گاهی چاره‌ای جز مدد جستن از یار موافق نیست.

کتاب

بعد از ۱۵سال؛

## «فیلمفارسی چیست» دوباره به بازار کتاب آمد

کتاب «فیلمفارسی چیست» مجموعه‌ای از گفت‌وگوها، مقالات و میزگردهایی است با گردآوری حسین معززی‌نیا که پس از ۱۵سال به همت نشر هرمس دوباره منتشر شده است. این اثر بر مبنای این پرسش که «فیلمفارسی چیست؟» شکل گرفته است.

کلمه‌ای که سال‌هاست در نقدها و مقالات مربوط به سینمای ایران به کار برده می‌شود. این کلمه در دهه‌های پیشین توسط یکی از اولین منتقدان ایرانی وارد ادبیات سینمایی ما شده و تا امروز بیش از هر کلمه و تعبیر دیگری، در مقالات و اظهارنظرهای شفاهیِ اغلب صاحب‌نظران سینمای ایران به کار گرفته می‌شود، اما مفهوم این کلمه و مصادیقش از وضوح کامل برخوردار نیستند و در بسیاری از موارد معانی کاملاً متفاوتی را به ذهن متبادر می‌کنند.

اثر پیش رو سعی در توضیح این مفهوم در خلال گفت‌وگوها و مقالات متعدد دارد. در توضیح پشت جلد این کتاب در باب اهمیت مفهوم فیلمفارسی نوشته شده است: «مبحث فیلمفارسی از هر جنبه که مورد ارزیابی واقع شود مقولهٔ مهمی است و همواره می‌تواند توضیح دهندهٔ بسیاری از مشکلات و روشن‌کنندهٔ راه‌های مقابله با خطاها و بی‌خردی‌های مرسوم در سینمای ایران باشد.» حسین معززی‌نیا نویسنده، منتقد فیلم، مدرس سینما و مستندسازی است که کتاب‌های «درباره ابراهیم حاتمی کیا» و «سینما و افق‌های آینده» از دیگر تألیفات اوست.

معززی نیا در قسمتی از مقدمه این اثر در توضیح اصطلاح فیلمفارسی می‌نویسد: «اگرچه در معنای این کلمه اختلاف‌نظر وجود دارد، در فیلمفارسی نامیدنِ بخش عمدهٔ تولیدات سینمای ایران (از آغاز تاکنون) اغلب منتقدان هم نظرند. یعنی تقریباً بدیهی انگاشته شده که بخش اصلی فیلم‌های تاریخ سینمای ایران با تبعیت از قواعد فیلمفارسی ساخته شده‌اند.

بنابراین، در آغازِ یک رشته مباحث تئوریک در خصوص مسائل و وقایع سینمای ایران، برگزیدن مفهوم فیلمفارسی به‌عنوان اولین موضوع، ضروری به نظر می‌رسد.»

نویسندهٔ کتاب پیش رو با اشاره به اینکه این کتاب یک اثر کامل و جامع دربارهٔ پدیدهٔ فیلمفارسی با همهٔ دامنه‌ها و تأثیراتش نیست، در بخشی از کتاب می‌نویسد: «قطعاً پدیده‌ای این همه دیرپا و چندلایه، در کتابی با این بضاعت، به تمامی تعریف نمی‌شود و بحث درباره‌اش پایان نمی‌پذیرد.

خصوصاً که بدقولی و بی‌حوصلگی تعدادی از نویسندگان و دست‌اندرکارانی که قرار بود رأی و نظرشان در این مجموعه قرار گیرد، امکان کامل‌تر شدن کتاب را منتفی کرد.

ازسوی دیگر، مباحث تئوریک سینمای ما هیچ‌گاه به شکل منطقی و مداوم طرح نشده و گاه چنان تشتتی در اظهار نظرها دیده می‌شود که حیرت‌انگیز است. کتاب حاضر نیز از این پراکندگی برکنار نمانده و بخشی از نوشته‌ها و گفته‌هایی که خواهید خواند، در تعارض با یکدیگر شکل گرفته‌اند.

این وضعیت نتیجهٔ منطقی شرایط نقادی و نظریه‌پردازی در سینمای ماست و همچنین نتیجهٔ طبیعیِ پرداختن به موضوع خطیری که تاکنون به طور جدی مورد بحث و تحلیل واقع نشده است.» در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: «نباید تصور کرد که تمام دوران سینمای گذشته فیلمفارسی است.

فیلمفارسی را من در مورد فیلم‌هایی به کار می‌بردم که وقتی می‌بردند پیش پخش‌کننده، می‌پرسید چند تا دعوای کافه‌ای دارد. در ابتدا که به ایران آمدم، اصطلاح «نوار متحرک» را در مورد این فیلم‌ها به کار بردم، اما بعد دیدم که این یک عنوان ترجمه‌ای از زبان فرانسه بود.

بعد فکر کردم باید ترکیبی ساخت برای بیان، سینمای بی‌ارزش و بی‌اهمیتی که بعد از نمایش باید نگاتیو را در زباله دانی می‌انداختند؛ آن سری فیلم‌هایی که اصلاً نباید پایه و مبنای سینمای ایران محسوب شوند.

آن جماعت دوربین را به ایران آورده بودند و دوربین برایشان وسیله‌ای برای تغذیه و معاش شده بود. البته قطعاً درآن دوران فیلم‌هایی ساخته شد که مشمول این عنوان نبودند و فیلم‌های خوبی محسوب می‌شوند.»

گفت‌وگو

گفت‌وگوی نرگس ناظمی‌نیا با سهیل سرگلزایی، نویسنده مجموعه داستان کوتاه «از جلو... نظام»

# از ولگردی تا نویسندگی

کتاب «از جلو... نظام» مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه با پایان شگفت‌انگیز است که تمام اتفاقاتش در فضای دبیرستان پسرانه رُخ می‌دهد. در هر داستان به شرح زندگی پسری می‌پردازد که لایه‌های پنهانی و رمزآلودی دارد. برخی از افراد مثل فرهاد با ویژگی اخلاقی خاص و باج بگیر یا آقای سرایدار، ناظم مدرسه که شرورترین فرد مجموعه داستان است، جزو کاراکترهای پایه و ثابت هستند که این داستان‌ها را پیش می‌برند. خواننده در این مجموعه داستان، با پسرهای نوجوانی مواجه و آشنا می‌شود که درکمال ناباوری، ورای سن و جنسیت و جایگاه اجتماعی و... آن شخصیت را آشنای دیرینه خویش می‌بیند و حتی گاه خود را در او می‌یابد و می‌کاود. به گونه‌ای که پس از خواندن داستان مدت‌ها به او و موضوع زندگی آن شخصیت فکر می‌کند. داستان پسری که درون کیفش پر از ابزار است و نویسنده او را در موقعیت دلهره‌آوری قرار می‌دهد چرا که آوردن چنین ابزاری جزو ممنوعیات مدرسه به شمار می‌آید اما پسر از سرناچاری و بنا به دلایلی شب‌ها با دم‌باریک در خانه‌اش را باز می‌کند. در این مجموعه داستان که سرشار از پارادوکس است با پسر یک روحانی نیز آشنا می‌شویم که با تسلط بر دانش پدریش، عذرهای نماز نخواندن را به دیگر همکلاسی‌هایش می‌آموزد. در داستان دیگر پی به راز پسری می‌بریم که مشکل لکنت زبان دارد و...

نویسنده، در کنار سبک نگارش موجز و آهنگین موفق شد ضمن نمایش جامعه ملتهب پیش‌رو به‌طور غیرمستقیم و کالبدشکافانه به تحلیل روان شناختنی این کارکترها بپردازد. مجموعه داستان از «جلو... نظام» جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که همواره قصد و اصرار دارد در بی‌نظمی حاکم درونی‌اش چون جامعه کوچک دبیرستان با دانش آموزانی که دوره‌ی بحران‌زده بلوغ را سپری می‌کنند، با ارعاب و تهدید به آن جامعه نظم دهد، در حالی که خود ناظم و مدیر و گاه معلمان در برهم زدن نظم چنین جامعه‌ای نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. هرچند در این میان معلمانی نیز دوست و همراه دانش آموزان می‌شوند و به شکل غم‌انگیز شرایط تحمیلی ناعادلانه‌ای آنها را از هم جدا و دور می‌کند. به قول نویسنده کتاب «با وجود این که همه این دانش‌آموزان پیراهن آبی و شلوار خاکستری یک‌دست مدرسه تنشان است و موهایشان از ته تراشیده‌اند اما هر کدامشان علقه‌های مخصوص به خود را دارند که از دیگران متمایزش می‌کند. هر یک در جهان یگانه و پیچیده خویش به سر می‌برند که برای شناخت و فهمیدنشان باید جهان‌های بسیاری را سفر کرد، از جمله جهان خود را.»

با سهیل سرگلزایی، نویسنده کتاب «از جلو نظام...» گفت‌وگویی داشته‌ایم. این مجموعه داستان دومین اثر چاپ شده وی بعد از کتاب «به خاطر بوفالوها» است.

**کتاب با داستان کوتاه «از جلو... نظام» شروع می‌شود. آیا کتاب به همین دلیل نام‌گذاری شده است؟***

این داستان شرح‌حال چند دقیقه همه ما دانش آموزانی است که ۱۲سال تحصیلی را با این پیام هر روز سرصف آغاز و به اتمام رسانیدم تا می‌شنویم که می‌گویند «از جلو... نظام»، ناخواسته و بلافاصله می‌گوئیم: «الله ...» این داستان می‌خواهد شرطی شدن یک انسان را نشان دهد. این که ما چگونه در زندگی‌هایمان شرطی می‌شویم. البته در ادامه می‌خوانیم که در لحظه سرصف ایستادن که باید نظم و ادب حاکم شود، دقیقاً با انبوه بی نظمی و البته گاه فحاشی‌های از سوی ناظم مدرسه و خود دانش‌آموزان مواجه می‌شویم. یک رفتار که بر اثر تکرار تبدیل به عادت و آئین صرف شده. حتی حین خواندن دعای ندبه که سر صف خوانده می‌شود واقعا هیچ‌گونه توجه و تفکری به آن نمی‌شود.

**شخصیت‌ها و ماجراهای این داستان‌ها واقعی است یا زائیده تخیل است؟***

این داستان‌ها را از دل واقعیت‌ها در سال‌های مختلف دوران دبیرستان که سه بار مدرسه‌ام را تغییر دادم، بیرون کشیدم. در دوره کرونا یکی از خاطرات مدرسه‌ام را نوشتم در فضای مجازی منتشر کردم. مورد استقبال قرار گرفت و خاطرات دیگر به یادم آمد که آنها را تبدیل به داستان کردم و شد این مجموعه. چنین شخصیت‌هایی با این اتفاقات در عالم واقعیت رُخ داده بود با بکارگیری تکنیک‌های داستان‌نویسی سعی کردم با اختصاص یک ویژگی منحصر به فرد به تیپ‌ها آنها را تبدیل به کاراکتر قابل تعمق و عمیق کنم. مثل لکنت زبان یا تیک داشتن، مثل پوست کندن نارنگی در کشوی میز سر کلاس و.... این نوع نوشتن داستان را به زندگی واقعی نزدیک‌تر می‌کند.

**داستان به شکلی است که با وجود کوتاه بودنشان، خواننده در ابتدا با نمای بیرونی یک شخصیت آشنا می‌شود؛ در ادامه سر از تاریک‌ترین بخش درونی او درمی‌آورد، این شناخت که از زاویه دید دانای کل تعریف می‌شود از کجا حاصل می‌شود؟***

کار نویسنده جستجو کردن است. به صرف رفتن به کلاس آموزش داستان نویسی یا حتی داستان خواندن و گوش دادن از هیچ کس نویسنده موفق نمی سازد. باید به رفتار آدم‌ها نگاه کرد. به طرز حرف زدن راه رفتن غذا خوردن لباس پوشدن‌شان و... توجه کرد. باید تجربه زیستی با آدم‌ها از طیف و طبقه‌های مختلف داشته باشیم. من ولگردی زیاد کرده‌ام. ولگردی چیز خوبی است به شرطی که ولگردی به معنی واقعی باشد. سال‌هاست که تنهایی سفر می‌کنم. اگر با جمعی سفر بروی و چند روز در هتل اقامت داشته باشی خب فضای و دنیایت را زیاد تغییر ندادی چراکه باز در همان حلقه تنگ و محدود خواهی ماند. این که یک شب را در آغل چوپانی بگذرانی یا با کودک افغانستانی نشست و برخاست داشته باشی جهان‌بینی خاص خودت را پیدا می‌کنی. باید از طبقه خودت خارج شوی. به نظرم هرآدمی قابلیت تبدیل شدن به کاراکتر را دارد به شرطی که پی به راز نهانش برد و این با َسرک کشیدن در جهان‌های دیگر به دست می‌آید.

**آیا بخشی از این شناخت و به تصویر کشیدن درونیات شخصیت‌ها به حرفه پدر به عنوان روانپزشک و استاد روان‌شناس برنمی‌گردد؟***

شغل و تخصص ایشان روی من تاثیر نگذاشت اما شیوه تربیتی چرا. در خانه ما کتاب زیاد بود. بیشتر تفریحات من در کودکی در کتابفروشی‌ها سپری شد. من در ۱۵سالگی با داستان کوتاه آشنا شدم. نقش پدر در دوران کودکی بیشتر جنبه تشویقی داشت. مثلا اگر من چیزی می‌خواستم اول باید کتابی را که پدر می‌خرید می‌خواندم بعد کنفرانسش را نزد او ارائه می‌دادم و به ازای امتیازی که از پدر می‌گرفتم می‌توانستم به خواسته‌ام برسم. این خیلی به رشد من کمک کرد.

**به‌عنوان آخرین سوال؛ شروع میانه و پایان داستان‌ها خیلی منسجم و غافلگیرکننده است و این ویژگی بارز مجموعه داستان «از جلو... نظام» است. علیرغم پرداختن به یک جنبه و بُعد شخصیت، خواننده با راز مگوی او آشنا می‌شود. گره‌گشایی در دل و روند داستان اتفاق نمی‌افتد بلکه در روح آن کاراکتر به وجود می‌آید که گاه خود کاراکتر نیز از وجود این لایه کهنه و پنهانی غافل و بیگانه است. اما داستان با یک تکان و اتفاقی اساسی پرده از راز بر می‌دارد. این را در تغییر رفتارشان می‌توان مشاهده کرد. آیا قبل از نوشتن داستان به ساختار و فرم و شخصیت‌ها و دیالوگ‌ها که به درستی هرکدامشان لحن و ریتم خاص خود را دارند و به تکرار نمی‌افتند، فکر شده؟**

در زمان نوشتن داستانی به چیزی فکر نمی‌کنم. سوژه‌ای به ذهنم می‌رسد و خیال را آزاد و رها می‌گذارم و به نوشتن ادامه می‌دهم. هنگام ویرایش به روند و فرم و ساختار داستان و همین‌طور کارکترها و... فکر می‌کنم. برای این‌که شخصیت‌ها به درستی جلوه کنند مناسب هرکدامشان اخلاق عجیب و غریبی اختصاص می‌دهم، مثل شخصیت فرهاد، پسر شرور باج بگیر داستان که با موزگری از بچه‌ها اطلاعات می‌گیرد و خرج می‌کند یا آن پسر مدیری که جاسوسی می‌کند. همه دارای بُعد هستند. تنها شخصیتی که به آن بُعد ندادم و درحد تیپ ماند، شخصیت آقای سرایه‌دار، ناظم مدرسه که شر مطلق هست. پرداختن به زوایای ظاهری و درونی شخصیت‌ها که در رفتارشان نمود بارزی پیدا می‌کند، قادر است به زیبایی کارکتر آنها را واقعی، زنده و ملموس نمایش دهد. بعضی از این جزئیات در پلات داستان هیچ جایگاه و نقش ندارند ولی باید شخصیت رازی داشته باشد که دیگران از آن بی‌خبر هستند و حدس زدن آن هم کار آسانی نباشد. این راز و رمزهای آدم‌های داستان است که به داستان درام و جذابیت می‌بخشد و خواننده به راحتی با آن سمپاتی برقرار می‌کند. بازهم می‌گویم خلق شخصیت ماندگار در سفر بسیار و کسب تجربه و مطالعه و فکر کردن در مورد ویژگی‌های انسان است.

دریچه

یوگوسلاو ولاهوویچ - صربستان

جزئیات سعدی

مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست
یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست
به کمند سر زلفت نه من افتادم و بس
که به هر حلقه مویيت گرفتاری هست
گر بگویم که مرا با تو سر و کاری نیست
در و دیوار گواهی بدهد کآری هست
هر که عیبم کند از عشق و ملامت گوید
تا ندیده‌ست تو را بر منش انکاری هست
صبر بر جور رقیبت چه کنم گر نکنم
همه دانند که در صحبت گل خاری هست

مجازستان

- وقتی مادرم مریض بود من کلاس پنجم بودم، دیدم گریه و زاری کمکی نمیکنه، تصمیم گرفتم حسابی درس بخونم تا تو آزمون مدارس نمونه قبول شم تا شاید خوشحال شه و تو خیال کودکیم حالش خوب شه، ولی وقتی نتیجه‌ی قبولیم توی آزمون اومد متاسفانه دیگه بینمون نبود. (در آرزوی آرامش)
- فعالان محیط زیست آن‌قدر به سگ‌ها رسیدگی کردن که کل اکوسیستم ایران داره تبدیل میشه به سگ‌دونی. هر جای داخل و خارج شهر میری یه گله سگ کل ترکیب جانوری اطرافشون رو از بین بردن و تنها جانور منطقه‌ان! متوجه آسیبی که داره به محیط زیست وارد میشه هستید؟ (Seyamak)
- ساعت ۸صبح زنگ زده میگه امروز میری بیمارستان؟ میگم نه. میگه خب پاشو قرار نیست هر روز که نمیری بیمارستان تا ظهر بخوابی. مادر عزیزم دوران مدرسه هم نمیذاشت روزهایی که تعطیل بودیم بخوابیم. (nasehmohi)
- راننده بهم اشاره کرد، گفتم بله؟ گفت خانوم آهنگتون چرا تموم نمیشه؟ گفتم رو ریپیته، صداش خیلی میاد؟ گفت بله. گفتم دوسش ندارید؟ گفت نه. خیلی خوشتیپ بود گفتم بابا بگید قطعش کنم خب!خوشتیپ نبود میگفتم به یه ورم که دوسش نداری. (ۀپچرالملوک)

دنیا علم

### کشف‌قدیمی‌ترین‌کهکشان‌ها توسط تلسکوپ جیمز وب

ستاره‌شناسان با استفاده از تلسکوپ فضایی جیمز وب این ۲کهکشان قدیمی و دور را کشف کردند که قدمت آنها تنها به ۳۳۰میلیون سال پس از بیگ بنگ می رسد. نور هر ۳ این کهکشان‌های بسیار قدیمی پس از بیش از ۱۳میلیارد سال سفر به عدسی جیمزوب رسید. جوئل لجا، استادیار نجوم و اخترفیزیک در دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا در بیانیه‌ای گفت: نور این کهکشان‌ها باستانی و تقریباً ۳برابر از زمین پیرتر است. تنها با نور آنها است که ما می‌توانیم به فیزیک عجیب و غریب حاکم بر کهکشان‌ها پی ببریم.» مطالعه جدید نشان می دهد که جهان اولیه مملو از ستاره هایی به اندازه ۱۰هزار برابر خورشید ما بود. کهکشان‌های تازه یافته شده در منطقه‌ای از فضا به نام خوشه پاندورا یا آبل ۲۷۴۴ شناسایی شد که خوشه‌ای عظیم شامل کهکشان‌هایی با جرمی معادل ۴تریلیون خورشید است. خوشه های کهکشانی عظیم‌ترین ساختارهای جهان هستند که توسط گرانش محدود شده‌اند. با این حال، ۲کهکشان باستانی تازه کشف شده در خود خوشه کشف نشدند، آنها در پشت آن کشف شدند. محققان گفتند به نظر می‌رسد دو کهکشان باستانی به طور قابل توجهی بزرگ‌تر از سایر کهکشان‌های مشاهده شده در همان نقطه از تاریخ کیهانی هستند. آن‌ها افزودند: «مشخص نیست که آیا تفاوت در اندازه به دلیل چگونگی شکل‌گیری ستارگان یا اتفاقاتی است که پس از تشکیل برای آنها رخ داده است، اما تنوع در ویژگی های کهکشان واقعا جالب است.» کهکشان‌های جدید به فهرست رو به رشدی از اجرام بسیار باستانی می‌پیوندند که توسط جیمزوب شناسایی شده‌اند.اخیراً،این تلسکوپ قدیمی‌ترین سیاه‌چاله پرجرم فعال در جهان شناخته شده را کشف کرده که قدمت آن به حدود ۴۵۰میلیون سال پس از بیگ بنگ می‌رسد و همچنین قدیمی‌ترین شواهد مولکول‌های آلی، که در ابری در فاصله ۱۲,۳میلیارد سال نوری زمین قرار داشت.

فناوری

### مانیتور ۲۷اینچی جدید AOC با بازوی ارگونومیک و وضوح ۴K معرفی شد

اخیراً شرکت AOC مانیتور گیمینگ Aegis Q۲۷G۴ با وضوح ۲K و فناوری IPS را معرفی کرد؛ اکنون این برند از یک مانیتور جدید با ویژگی‌های پیشرفته‌تر رونمایی کرده است. U۲۷P۳UB با اندازه ۲۷اینچ و وضوح ۴K با فناوری IPS، مانیتوری است که می‌توان آن را در تمامی زاویه‌ها چرخاند. با بازوی ارگونومیک این مانیتور می‌توان آن را تا ارتفاع ۲۶۵میلی‌متر، شیب منفی ۲۰ تا مثبت ۹۰درجه و چرخش دومحوره ۱۸۰درجه‌ای تنظیم کرد.براساس گزارش گیزموچاینا، مانیتور U۲۷P۳UB علاوه بر طراحی منعطف، پنلی با پوشش ۹۹درصدی sRGB، رفرش‌ریت ۷۵هرتزی، زمان پاسخگویی ۴میلی‌ثانیه GTG و عمق رنگ ۸بیتی از نوع FRC+ ارائه می‌کند. روشنایی این مانیتور ۳۵۰ نیت است و با گواهی HDR۱۰، تجربه بصری همه‌جانبه‌ای را رقم خواهد زد. مانیتور جدید AOC گزینه‌های اتصال متنوعی دارد؛ این مانیتور دارای دو ورودی HDMI ۲,۰، ورودی DisplayPort ۱,۲۴، چهار پورت USB ۳,۲ نسل ۱ تایپ A، یک پورت USB ۳,۲ نسل ۱ تایپ B و جک هدفون است که کاربر بسته به نیاز خود می‌تواند از آن‌ها استفاده کند.در مانیتور AOC فناوری‌هایی مانند DCR Libi برای نسبت کنتراست دینامیکی ۵۰میلیون به ۱، فناوری رنگ زنده DCB با پنج حالت افزایش رنگ و تنظیم روشنایی در ۶حالت به‌کار رفته است. همچنین با فناوری صفحه‌نمایش بدون سوسو (فلیکر)، تنظیمات کاهش نور آبی و عملکرد Clear Vision، تجربه خوبی برای کاربر می‌سازد.